

گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای

مصطفی ساوه‌درودی^۱

چکیده

تنش‌های سیاسی و تنازعات حاصل از آن می‌تواند به افزایش ناامنی در جوامع و بروز چالش‌های امنیتی و در نهایت بحران منطقه‌ای بینجامد. تجربه حاصل از عملکرد طالبان در آغاز قرن بیست و یکم و آشوب‌سازی دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه، تنازعی را شکل داد که بخشی از آن در فرقه‌سازی و ظهور ناامنی در کشورهای اسلامی نمایان شده است.

بحرانی که در عراق با نمایش گروهک تکفیری به نام داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از اوایل سال جاری میلادی آغاز و طی چند ماه گذشته تشدید یافته، محصول تنازعات فرقه‌ای است که ریشه در عملکرد گذشته دخالت‌های خارجی در منطقه داشته و راه را برای استمرار بحران‌سازی در منطقه هموار ساخته است. هدف مقاله حاضر بررسی چرایی ناامنی فعلی در عراق با تمرکز بر گروهک تروریستی داعش است. سؤال مقاله چرایی و چگونگی ظهور این گروهک و نقش بازیگران منطقه‌ای در پیدایش آن است. روش تحقیق توصیفی بوده و از نظر نوع به صورت تلفیقی در دسته پژوهش‌های نظری-کاربردی قرار دارد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که گروهک تروریستی داعش محصول تنازعات فکری و اندیشه‌ای گروه‌های تکفیری منطقه و بازی قدرت بازیگران منطقه‌ای است که با هدایت بازیگران سیاسی تأثیرگذار در حال شکل‌گیری و بحران‌سازی در عراق و منطقه است.

کلیدواژه‌ها: داعش، سلفی‌گری، تکفیری، ناامنی، تنازع.

مقدمه

بخش مهمی از معادلات امنیتی در جهان در صحنه رقابت بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته است. کالای باارزشی که در این دادوستد بیشترین ضرر را متحمل شده، سرمایه‌های انسانی و منافع حیاتی کشورهای تحت سلطه است. رنگ و بوی معادلات در آغاز کار و ظاهر امر مشخص نیست؛ اما در پس آن می‌توان به عمق فاجعه ناشی از این معادله بر روی منافع حیاتی، حساس و ارزشی کشور مورد هدف و ملت تحت ستم دست یافت که بازی‌های فرقه‌ای یکی از راهکارهای دسترسی به این موارد است که با هدایت پشت پرده بازیگران سیاسی سلطه‌گر در حال اجراست. به‌رحال شرایط مساعد منطقه خاورمیانه و اطراف آن به گونه‌ای است که راه دسترسی به اهداف نظام سلطه را در قالب هدایت منازعات با بهره‌گیری از اختلافات و تنش‌های سیاسی-مذهبی رقم زده که امروز در ظهور فرقه‌ای به نام داعش تبلور یافته است. گرچه دست‌های پنهان و هدایتگر آن به‌ظاهر خود را مبرا از هرگونه رابطه با این تشکیلات اعلام نموده‌اند؛ اما گذر زمان بسیاری از واقعیت‌ها را مشخص خواهد کرد. واقعیتی که سال‌ها بعد و در جریان افشاگری‌های درون‌گروهی و واگرایی‌های درون‌گفتمانی گردانندگان اصلی تنش، مشخص خواهد شد.

گروهک تروریستی داعش با ادعای برپایی حکومت اسلامی در عراق با اجرای اقداماتی به‌دور از ارزش‌های انسانی به جنایاتی دست زده که روح و جان هر انسان آزاداندیشی را به درد آورده است. این مقاله با هدف شناخت چرایی و چگونگی شکل‌گیری و تفکرات این جریان، تلاش خواهد کرد تا عوامل دور و نزدیک پیدایی این گروه تروریستی را مشخص کرده و سناریوهای احتمالی بر امنیت منطقه با تأکید بر ایران را مورد بررسی قرار دهد.

طرح مسئله

منطقه خاورمیانه طی چند سال اخیر و به‌طور مشخص، بعد از حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ با چالش‌ها و ناامنی‌هایی مواجه شده که آثار آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در حافظه عمومی ملت‌ها و به‌ویژه مردم منطقه به جای مانده است. زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ در منطقه که با بهره‌گیری از جمود فکری برخی از فرقه‌های سیاسی و مذهبی اسلام‌گرا همراه شده، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که افزون بر تشدید تنازعات سیاسی، تنازعات مذهبی را نیز شدت داده است. دغدغه و مسئله این مقاله رسیدن به نقطه کانونی دلایل بروز ناامنی و ریشه‌یابی آن در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه عراق است. تداوم ناامنی در عراق، به‌گونه‌ای تداوم ناامنی در کشورهای هم‌جوار آن و از جمله ایران بوده و می‌تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را برای نظام ج.ا.ایران در پی داشته باشد. از این‌رو چگونگی برخورد با این موضوع خود مسئله‌ای است که ذهن‌ها را به خود مشغول ساخته

۹۱ ————— گروهک تروریستی داعش؛ برابند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای*

است. عراق کشوری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای بوده و از نقش مهم آن در بازی سیاسی بین قدرت‌های بزرگ نباید غافل ماند؛ چراکه در طول سسی سال گذشته بسیاری از تحولات سیاسی منطقه ناشی از تحولات عراق و شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر این کشور بوده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

دولت‌ها در اداره کشور با دو متغیر ذهنی و عینی مواجه هستند. در بخش ذهنی با باورها، هنجارها و دیدگاه‌های نخبگان و در بخش عینی با شرایط نظام‌مند یا سامانه‌ای همراه هستند که تحت تأثیر محیط به آن‌ها دیکته می‌شود. در این محیط فرصت‌ها و تهدیداتی وجود دارد که حرکت آینده را برای آن‌ها مشخص می‌کند (Joseph:2008: 161). بخشی از این فرصت‌ها و تهدیدات در قالب تنازعات ملی و بخشی در ردیف تنازعات فراملی قرار دارند.

در مورد اینکه تنازع چیست و در جهان سیاست چه جایگاهی دارد، هنوز اتفاق نظری وجود ندارد؛ اما باید پذیرفت تنازع وجود دارد و به خلق مناظعات کلامی و درنهایت رفتاری می‌انجامد. نیکلاس لومان^۲ معتقد است؛ جوهر سیاست منازعه است و تنازعات بشری نه تنها کاهش نمی‌یابد؛ بلکه در حال افزایش است. هانتینگتون^۳ هم به تداوم تنازع اعتقاد دارد و برخلاف فوکویاما^۴ می‌گوید باید سودای جهان یکپارچه را که کانت^۵ می‌گوید فراموش کرد. حد وسط تنازع این دو دیدگاه را هانس^۶ مطرح کرد. او می‌گوید هرروز هویتی شکل می‌گیرد و می‌شکند و آن قدر ادامه می‌یابد (کثرت پیدا می‌کند) که نمی‌توان قلمروها را تشخیص داد (ساوه‌درودی، ۲۵۸: ۱۳۹۰).

تهدیدی که امروز بیشتر دولت‌های در حال گذار و یا جهان‌سومی با آن مواجه هستند، بیشتر ناشی از همین تنازعات و شرایط محیطی، ناکارآمدی دولت‌های حاکم برای اداره کشور، وابستگی به نظام‌های اقتدارطلب و اجرای سیاست‌های استبدادی علیه توده است. شناخت این شرایط برای رسیدن به علل و پیامدهای حاکم بر کشورها، یکی از مسائلی است که ضرورت بررسی‌های سیاسی و امنیتی را می‌طلبد. وضعیت فعلی حاکم بر کشور عراق در همین راستا قابل ارزیابی است. شرایط محیطی حاکم بر این کشور، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی که به تشدید عصبیت‌های قومی و نژادی انجامیده و این کشور را در آستانه ورود به تحولی دیگر ناشی از تهدید تجزیه کشور قرار داده بیشتر ناشی از تنازعات قومی و مذهبی است. در این شرایط احتمال گسترش ناامنی حاکم بر این کشور به سمت ایران به دلیل قرار گرفتن در همسایگی ایران و علقه‌های مذهبی مشترک وجود دارد. این مهم با توجه به نگرش‌های منفی گروه‌های تکفیری در

2. N.Loman

3. S.Hantigton

4. F.Fokoyama

5. Kant

6. Hanse

عراق که امروز در اندیشهٔ فرقهٔ داعش ظهور یافته و شیعه را مهدورالدم و نظام ج.ا.ایران را مشرک تلقی می‌کنند، نیازمند بررسی عمیق و موشکافانه است که باید به جد مورد توجه قرار گیرد. اگرچه این تحقیق نمی‌تواند همهٔ این موارد را پوشش دهد، باین حال امید است پاسخی درخور به بخشی از چرایی‌های حاکم بر عراق و پیامدهای امنیتی ناشی از این تحول بر امنیت ملی ج.ا.ایران و در نهایت ضرورت و چگونگی آمادگی نظام ج.ا.ایران در برخورد با آن را ارائه دهد.

هدف

چرایی و چگونگی ظهور گروهک تکفیری داعش و نقش بازیگران منطقه‌ای در پیدایی آن

پرسش

زمینه‌های ظهور داعش در منطقه و عراق چیست و بازیگران منطقه‌ای در ایجاد آن چه نقشی دارند؟

فرضیه

گروهک تروریستی داعش محصول اندیشه‌های تکفیری است که در پی منازعات فرقه‌ای هدایت‌شدهٔ بازیگران منطقه‌ای شکل گرفته است.

قلمرو تحقیق

از نظر زمانی اواخر سال ۹۲ تا نیمهٔ اول سال ۹۳ و از نظر مکانی ایران و عراق را دربرمی‌گیرد.

پیشینهٔ تحقیق

با توجه به پیدایش گروهک در چند ماه اخیر، تاکنون تحقیق جامع و کاملی به روش علمی در این حوزه انجام نشده است. باوجود این در مورد تفکر سلفی، مقالات و کتب متعددی نوشته شده که مهم‌ترین آن کتاب بنیادگرایی و سلفیه است که توسط دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۹۲ به همت آقای هوشنگی و پاکتچی در قالب ۱۳ مقاله منتشر شده است که به برخی از مهم‌ترین مقالات آن اشاره می‌شود:

زمینه‌های تاریخی سلفیه - این مقاله به قلم احمد پاکتچی است که سلفی‌گری را در سه موج بررسی کرده است. موج اول دوران پیدایش، موج دوم در اندیشه‌های ابن تیمیمه و موج سوم وهابی‌گری در عربستان است. نویسنده معتقد است موج سوم پیامدهای خطرناکی داشته که دامنهٔ آن به برخی از کشورهای اسلامی کشیده شده است. در این موج عربستان پایگاه و محور وهابی‌گری و رواج اندیشه‌های سلفی است.

بنیادگرایی سلفی - به قلم مشترک حسین هوشنگی و محمود سیفی است و مبنای فکری سلفی و اندیشه‌های آن را بررسی کرده است. مهم‌ترین اندیشه‌های این جریان احیای سنت خلفای راشدین، نفی اجتهاد، نفی تحولات بعدی اسلام به‌ویژه در دوران میانه است.

بازشناسی سلفیه با تأکید بر طالبان و القاعده - این مقاله به قلم مشترک محمدرضا طباطبایی و عبدالحمید افراخته نوشته شده و ریشه‌های تاریخی سلفی و در ادامه اخوان در مصر را به اختصار بیان داشته است. در بخش اصلی مقاله به اندیشه‌های طالبان و القاعده توجه شده و به زمینه‌های تاریخی پیدایش دو گروه در دو حوزه داخلی و خارجی پرداخته است. مهم‌ترین دلایل پیدایش این دو، مواردی مانند ناتوانی سران مجاهدان افغان در ایجاد دولتی فراگیر، برتری جویی قومی، فقر عمومی، قوم‌گرایی و دخالت پاکستان، دخالت آمریکا برای مقابله با نفوذ کمونیست و درنهایت انقلاب اسلامی ایران در منطقه بوده است.

یکی دیگر از کتاب‌هایی که به‌طور غیرمستقیم مربوط به این پژوهش می‌شود کتاب «بازتاب‌های انقلاب اسلامی» است که با همت محمدباقر خرمشاد گردآوری شده است. این کتاب نیز مجموعه‌ای از مقالاتی است که در مورد انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر جنبش‌های اسلامی و تحولات منطقه‌ای در اطراف ایران و کشورهای خاورمیانه پرداخته است. در تکمیل بررسی‌ها به وبگاه‌های مختلفی از جمله وبگاه نور و SID مراجعه شد که بیشتر آن‌ها مقاله‌هایی در مورد اندیشه‌های سلفی و گروه‌های وابسته به آن را معرفی می‌کردند، اما در مورد گروه تروریستی داعش مقاله‌ای روی وبگاه‌ها دیده نشد.

بسترهای ظهور گروهک تروریستی داعش

بعد از شکست طالبان در افغانستان، گروه نظامی وابسته به این تشکیلات با عنوان القاعده که حیات رسمی آن به سال ۱۳۶۷ توسط اسامه بن لادن برمی‌گردد، در برخی کشورهای اسلامی و از جمله عراق اعلام موجودیت نمود. این جریان که مدعی بود ماهیتی فراملیتی داشته (طباطبایی و افراخته، ۱۳۹۰: ۴۷۳) در عراق «ابومصعب زرقاوی» را با تشکیل گروهی به نام «جماعت توحید و جهاد» در سال ۲۰۰۴ نماینده القاعده در عراق معرفی کرد. دو سال بعد؛ یعنی در اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی یک گروه نظامی به نام «دولت اسلامی عراق» به رهبری فردی به نام ابوعمر بغدادی در سامرا اعلام موجودیت کرد و در کنار القاعده و جماعت توحید قرار گرفت. در آوریل سال ۲۰۱۰ میلادی ابوعمر بغدادی در حمله آمریکایی‌ها به محل اختفای وی کشته شد و ابوبکر بغدادی به جای وی قدرت را به دست گرفت و هم او بود که چهار سال بعد داعش را پایه‌گذاری کرد.

نام واقعی ابوبکر بغدادی، ابراهیم بن عواد بن ابراهیم بدری و متولد سال ۱۹۷۱ میلادی در شهر سامراست. وی اسامی و القاب دیگری مانند علی البدری السامرائی، ابودعا و دکتر ابراهیم دارد. بغدادی در خانواده‌ای مذهبی دارای عقیده سلفی متولد شده و دانش آموخته دانشگاه اسلامی بغداد است. بغدادی فعالیت‌های خود را به‌عنوان روحانی، از مسجد امام احمد بن حنبل در سامرا با تبلیغ و آموزش شروع کرد و در ادامه یکی از نظریه‌پردازان سلفیه جهادی در دیاله و سامرا شد و

یک مؤسسه جهادی کوچک در این منطقه به وجود آورد. علاقه‌مندی وی به اقدامات نظامی باعث شد تا نخستین گروه موسوم به «ارتش اهل سنت و جماعت» را با همکاری برخی شخصیت‌های بنیادگرایی - که با وی در اندیشه، خط‌مشی و هدف همسو بودند - تشکیل داده و در بغداد، سامرا و دیاله فعالیت‌های نظامی و مسلحانه‌ای را علیه شیعیان و دولت شیعی حاکم بر عراق شکل داد. وی پس از چندی به همراه گروهش به شورای مشورتی مجاهدین (وابسته به القاعده) ملحق شد. وابستگی او به تفکرات طالبانی و القاعده در دوران حضور آمریکایی‌ها در عراق و اظهارات و اقدامات او در بسیج توده علیه حضور آمریکا در عراق باعث شد تا به‌عنوان یکی از افراد وابسته به القاعده در عراق توسط آمریکایی‌ها دستگیر و به مدت چهار سال در اردوگاهی به نام بوکا (محل نگهداری فرماندهان القاعده در جنوب عراق) زندانی شود.

با خروج آمریکا از عراق و آزادی از زندان، بغدادی مجدد فعالیت خود را از سر گرفت. ویژگی‌های شخصیتی او از جمله توان سخنرانی و تسلط به فنون نظامی، باعث شد تا مخالفان دولت شیعی عراق از جمله بعثی‌ها، سلفی‌ها، تکفیری‌ها و عشایر مخالف دولت شیعی عراق که به اقدام نظامی علیه دولت حاکم علاقه‌مند بودند، در حمایت از بغدادی به گروه او (دولت اسلامی عراق) پیوسته و بغدادی نیز با استفاده از این فرصت مبادرت به سازمان‌دهی نیروها و اجرای اقدام نظامی علیه دولت عراق نمود. گسترش اقدامات نظامی وی در عراق باعث شد تا در اکتبر ۲۰۱۱ (مهر ۱۳۹۰)، آمریکا رسماً بغدادی را «تروریست» خوانده و برای هرگونه اطلاعاتی که به دستگیری یا مرگ او بینجامد، ۱۰ میلیون دلار جایزه تعیین کند.

بغدادی با شروع بحران در سوریه با شعار «یاری اهل سنت در سوریه» دست به کار شد و به مدت دو سال در کنار نیروهای مخالف نظام سوری قرار گرفت. وی در آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی ادغام شاخه جبهه النصره با دولت اسلامی در عراق را با اسم «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» اعلام کرد. زیاده‌خواهی‌های بغدادی در به‌دست گرفتن قدرت و درحالی‌که یک عراقی بود، با واکنش سوری‌های عضو جبهه النصره و رهبری آن؛ یعنی ابومحمد جولانی مواجه شد. وی با هرگونه ادغام مخالفت کرده و بیعت با القاعده را در افغانستان، به رهبری ظواهری مورد تأکید قرار داد^۷. در پی بالا گرفتن اختلافات، بغدادی تنها راه‌کار را بازگشت به عراق و ادامه اقدامات تکفیری خود در این کشور اعلام کرد و در اواخر زمستان سال ۱۳۹۲ در مناطق شرقی عراق و در مرزهای مشترک با سوریه مستقر شده و عملیات نظامی خود را در استان‌های نینوا، الانبار و صلاح‌الدین، علیه دولت شیعی عراق آغاز کرد.

۷. این اطلاعات بیشتر برگرفته از وبگاه‌های اینترنتی است که نشانی برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

www.vahhabi2012.blogfa.com/post/142

www.ajovan.blogfa.com/post-26.aspx

www.takafsar.blogfa.com/tag

حضور مجدد در عراق که با ضعف دولت مرکزی عراق در واپایش مناطق سنی‌نشین و به عبارتی کم‌توجهی دولت شیعی به این مناطق همراه شده بود، زمینه‌های مساعدی را برای تشدید فعالیت‌های گروه داعش فراهم ساخت و بغدادی با استفاده از این فرصت و نگرش منفی اهل سنت مستقر در این مناطق و عشایر عراقی با جلب نظر آن‌ها قدرت نظامی خود را با افزایش نیروهای نظامی به رخ دولت عراق کشید و از اوایل سال ۹۳ واپایش بخش وسیعی از این مناطق را به دست گرفت و در کمتر از دو ماه موفق شد موصل، دومین شهر بزرگ عراق را که از مراکز صنعتی این کشور به حساب می‌آید به تصرف خود درآورده و پادگان‌های نظامی عراق در این شهر را تحت واپایش درآورد. دسترسی به تجهیزات نظامی عراق بهترین فرصت برای تشدید اقدامات نظامی و تروریستی گروه را فراهم ساخت و کشتار شیعیان و مخالفان گروه داعش، در کنار تخریب اماکن مقدس شیعه و مساجد شیعیان به هر سه استان تحت تصرف گروه کشیده شد و در ادامه حرکت برای تشدید اقدامات نظامی در استان‌های هم‌جوار نیز مدنظر قرار گرفت و درگیری‌ها به مناطقی چون بعقوبه، اطراف سامرا و فلوجه نیز کشیده شد.

در اواسط تیرماه سال ۱۳۹۳ گروه با تثبیت خود در مناطق تحت تصرف و با توجه به نداشتن توافق با طالبان و النصره در اقدامی جدید نام «شام» را حذف کرده و با همان نام قبلی یعنی دولت اسلامی عراق موجودیت مجدد خود را اعلام داشت. در ۱۳ تیرماه رهبری گروه برای اولین بار در مسجد جامع موصل حضور یافت و درحالی که لباس و دستاری سیاه بر تن داشت، به اقامه نماز جمعه پرداخت. وی طی سخنانی با رد قرارداد سایکس-پیکو که امپراتوری عثمانی را تجزیه کرده بود، اعلام داشت مرزهای فعلی کشورهای اسلامی باید برچیده شود. وی در همین سخنان، خود را خلیفه بلاد اسلامی و امیرالمؤمنین خلیفه البغدادی نامید و مدعی شد تا تصرف بغداد و شام، موصل به‌طور موقت پایتخت حکومت اسلامی است و از این پس از شمشیر برای مقابله با تهدیداتی که در برپایی حکومت اسلامی قرار دارد، استفاده خواهد کرد.

مبانی فکری و اندیشه‌های اعتقادی گروهک تروریستی داعش

اندیشه‌های گروه برگرفته از همان اندیشه‌های سلفی القاعده است؛ با این تفاوت که به‌مراتب رادیکال‌تر از القاعده اهداف خود را دنبال می‌کند. سلفیه خود را پیرو «سلف صالح» یعنی پیشینیان نیکوکردار معرفی کرده و به برتری کامل وحی بر عقل اعتقاد دارند (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۷۱۱). این جریان هر نوع کارکرد برای حضور زن در اجتماع را منع کرده و معتقد است زن باید در خدمت شوهر باشد (Hardacre: ۱۳۰: ۱۹۹۳). از نگاه این طیف احمد بن حنبل از آخرین نسل سلفیه محسوب می‌شود و به او تاسی می‌جویند.

اندیشه سیاسی سلفی ریشه در آراء خوارج، حنبله و وهابیت دارد. در حالی که خوارج افزون بر جزم گرایی با اقدام خشن و نظامی شکم پاره می کردند (خامنه‌ای: ۱۳۷۰)، حنبلی‌ها بر ظواهر قرآن و سنت توجه داشته و گرایش عقلی و فلسفی و کلامی را همانند خوارج رد می کردند. وهابیت که ساخته عصر جدید است، با همان نگرش خوارجی و حنبلی به شدت افکار و اندیشه‌های شیعی را مورد حمله قرار گرفته و ضمن رد اندیشه‌های عقلی و فلسفی، شیعه را مشرک و آن‌ها را دشمن خلافت، سنت و سلف قلمداد می کند.^۸

طالبان، القاعده و داعش محصول فکری هر سه تفکر است که در چند دهه اخیر ظهور یافته و تلاش هر سه بر استقرار همان مبانی فکری سلفی از طریق شمشیر است. در واقع این سه با عبور از مباحث نظری سلفی به حوزه عمل وارد شده و مدعی هستند تنها با شمشیر می توان به عصر طلایی اسلام بازگشت. در این راه با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی؛ به ویژه شیعه به اعمال خشونت آمیزی ضد انسانی دست زده و هر سه شیعه را مشرک و مهدورالدم می نامند.^۹ در حالی که طالبان بیشتر تمرکز بر افغانستان را دنبال کرده و نیروهای نظامی خود را در این سرزمین ساماندهی کرده بود، القاعده بیشتر نگاه بیرونی داشت و با حضور در کشورهای اسلامی مدعی بود، اجرای شریعت در این کشورها از طریق اعمال زور و با به کارگیری شمشیر علیه حکام و دولت‌های حاکم بر این سرزمین‌ها امکان پذیر است. ایمن الظواهری رهبر فعلی القاعده در نوار ویدیویی خود در سال ۱۳۸۸ که در اعتراض به استمرار حضور نیروهای آمریکایی در عراق پخش شده بود، اعلام داشت دشمنان امروز جهان اسلام در سه طیف قرار دارند. گروه اول کافران هستند که مسیحیت و یهود در آن قرار می گیرند. گروه دوم مشرکان (به زعم وی شیعیان) هستند که به دلیل احترام به قبور برای خدا شریک قائل شدند و گروه سوم منافقانی هستند که در کسوت اهل سنت حکومت کشورهای اسلامی را غصب کرده‌اند.

مشابه این سخنان در اندیشه‌های رهبر داعش نمود یافته است. ابوبکر بغدادی بعد از قرار گرفتن در سمت رهبر گروه، مدت‌ها در خفا به ارائه نظرات خود پرداخته بود و از این منظر هنوز اطلاعات کافی در مورد نظر و نگاه وی وجود نداشت؛ اما ظهور او در نماز جمعه موصل در ۱۳ تیرماه ۱۳۹۳ و سخنان تند وی علیه مخالفان داعش و اینکه شمشیر تنها راه برقراری حکومت اسلامی است، نشان از پیروی وی از همان اندیشه‌های تند القاعده دارد. وی در سخنان خود و در حالی که بیشتر به آیات جهادی در قرآن تأکید می کرد اعلام داشت «بر سختی‌ها صبر کنید و بدانید اجر بزرگی در جهاد است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است. در این جهاد تنها راه برطرف کردن تهدید و برپایی حکومت

۸. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به طباطبایی و افراخته در بنیادگرایی و سلفیه

۹. پیام ملامر در سال ۱۹۹۶، سخنرانی ویدیویی ایمن الظواهری در سال ۲۰۰۷، اظهارات بغدادی در جولای ۲۰۱۴

اسلامی، استفاده از شمشیر است. بر ما واجب است که حکومت اسلامی را برپا کنیم، مردم ناآگاه هستند و بر ما واجب است آن‌ها را آگاه کنیم و اکنون حکومت اسلامی این کار سنگین را بر عهده گرفته است». بر مبنای اندیشه تکفیری داعش، جهاد همان اجرای اقدامات تروریستی است که با کشتار مخالفان حکومت اسلامی امکان‌پذیر خواهد شد. به زعم داعش در رأس این مخالفان، شیعه و حامیان آن و حکومت‌های سکولار اسلامی قرار داشته و معتقد است برای تشکیل حکومت اسلامی، همه آن‌ها باید نابود و از صحنه روزگار حذف شوند.

از نگاه داعش زمین عرصه تحقق و اجرای احکام خداوند است و این احکام در سیره سلف پیامبر (ص) ضبط شده است. از این رو هرگونه اجتهادی بدعت و هر شفاعتی شرک است. هرگونه تلاش برای اصالت دادن به شهروندان عدول از خداسالاری (تئوکراسی) به شمار می‌رود. ظهور و گسترش گناهان معلول حکام سکولار و بدعت بشر مدرن است. ختم معصیت‌ها فقط با اجرای حدود الهی در ملأعام امکان‌پذیر است. مخالفان داعش کافر و مهدورالدم هستند. راه‌هایی از مرارت‌های امروز دنیا، بازگشت به موازین صدر اسلام و سنت سلف صالح است (نصری: ۲، ۱۳۹۳).

داعش بر مبنای تفکرات خودساخته تشکیلاتی، تلاش دارد تا ارزش‌های تکفیری موردنظر خود را به‌عنوان هنجار دینی در عراق و شام حاکم کند. شرط لازم برای این اقدام از نگاه داعش، رواج اندیشه‌های جزم‌گرایانه تکفیری بر مبنای برداشت از مبانی فکری گروه‌های متحجر اسلام‌گرایی همچون طالبان است. کافر بودن شیعه، تأکید بر استفاده از شمشیر (قدرت سخت) برای اجرای عدالت، بخش دیگری از مهم‌ترین مبانی فکری این گروه را تشکیل می‌دهد.

داعش در حوزه سیاسی با تأکید بر این ادعا که نظام حاکم بر عراق، نظامی سکولار و غرب‌گراست، سرنگونی آن را به‌عنوان مهم‌ترین و اولین اقدام برای استقرار احکام اسلامی در عراق تلقی کرده و بر این مبنا معتقد است، تمامی حامیان دولت حاکم که در ردیف مخالفان داعش قرار دارند، مهدورالدم بوده و ریختن خون آن‌ها مباح است؛ به‌عبارت‌دیگر در این ادعا رهبر داعش (ابوبکر البغدادی) محور بوده و به تأسی از مبانی فکری طالبان، معتقد است تنها راه گذر از «هست‌ها» موجود و رسیدن به «باید»‌های موردنظر اقدام مسلحانه نظامی در قالب تشکیلاتی منسجم و سازمان‌دهی شده از طریق بحران‌سازی در عراق بوده و بر مبنای این تفکر با بهره‌گیری از تجربه طالبان در عراق، درصدد ایجاد طرحی نو در عراق با عنوان تشکیل حکومت اسلامی خلافتی در عراق است که این مهم را در نماز جمعه موصل در تیرماه ۱۳۹۳ اعلام نمود.

چرایی ظهور گروهک تروریستی داعش

از عصر صحابه تا پایان سده دوم قمری دو جریان در چالش با یکدیگر بودند: جریانی که در معرض مواجهه با مسائل روز و مقابله با افکار متنوع قرار داشت و معرفت دینی را تحول‌پذیر می‌دید.

جریانی که از چنین تحولی هراس داشت و با تکیه بر پایبندی به سنت از جریان‌های عصری فاصله می‌گرفت و دیگران را نادیده می‌انگاشت. سوی این جریان را می‌توان سلف‌گرایی نامید (پاکتچی، ۱۳۹۰، ۶۹).

با این توصیف ظهور داعش را می‌توان در دو حوزه، علل دوردست و علل نزدیک مورد بررسی قرار داد:

الف - علل دوردست - بستر ظهور تفکر سلفی در کشورهای عرب به واسطه شرایط محیطی و جهل فرهنگی به مراتب از سایر نقاط بیشتر بوده و نیاکان اعراب فعلی در گذشته دور، از بنیان‌گذاران اندیشه‌های مخرب سلفی‌گری بوده‌اند که از همان دوران صدر اسلام با ظهور گروهی به نام خوارج آغاز شده و به صورت‌های مختلف ادامه یافت. پاکتچی در مورد تاریخ ظهور سلفیه آن را در سه دوره تقسیم نموده است.

دوره اول از قرن سوم با برآمدن افرادی مانند احمد بن حنبل با چرخشی تند به سوی بدوی سازی حرکت کرد و با نفی گفتمان کلامی به‌ظاهر آیات و احادیث تأکید می‌شد. این دوران تا قرن هشتم قمری ادامه داشت تا اینکه در اوایل این قرن ابن تیمیه از عالمان حنبلی دمشق و فردی سرسخت در اندیشه‌های اعتقادی خود با نوشتن مطالبی در برابر همه جهان اسلام قرار گرفت. او در رد اشاعره، معتزله، امامیه و صوفیه کتاب‌ها نوشت و بارها با بزرگان شافعی، حنفی و مالکی درگیر شد. این عملکرد او باعث شد تا افرادی به گرد وی جمع شده و دامنه‌ی منازعات را به صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بکشانند. موج سوم در قرن ۱۲ و ۱۳ قمری در اندیشه فردی به نام عبدالوهاب با گرایش حنبلی ظاهر شد. وی در کوتاه‌مدت با حمایت محمد بن سعود توانست اندیشه سلفی‌گری را در عربستان رواج داده و به سرعت آن را گسترش دهد. این اندیشه در قرن ۱۴ با حمایت دولت عربستان و مفتی‌های این کشور در سایر بلاد اسلامی مورد توجه قرار گرفت. در این نگاه، اندیشه جدید تفاوت چندانی با اندیشه دو دوره قبل نداشت. خردگریزی و تکیه بر احادیث، نفی اجتهاد و تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، کفر شمردن شفاعت و مواردی مانند آن همچنان نقطه کانونی اعتقادات این جریان بود. در قرن ۱۴ نکته جدیدی که به نگرش سلفی افزوده شد اجرای احکام اسلامی با استفاده از زور و به کارگیری شمشیر است. اگرچه این نگرش در گذشته نیز بین این جریان مطرح بود، اما در دور جدید اندیشه سلفی با تشکیل گروه‌های جهادی سلفی همراه شد. این جریان تنه‌راه استقرار اندیشه سلفی و سنت را پیکار نظامی تلقی می‌کردند که برای اولین بار در جریان تحولات افغانستان در مبارزه با حاکمیت نظام کمونیستی در این کشور ظاهر شد که در محور آن گروهی به نام طالبان قرار گرفت.

ناکامی طالبان در افغانستان و شکست این جریان در حفظ کرسی قدرت، گروه نظامی القاعده را

با نگرشی فراملیتی در بین اندیشه‌های سلفی نمایان ساخت. القاعده با حضور در عراق و برخی کشورهای اسلامی گوی سبقت را در میدان رقابت از طالبان گرفت که این امر در پی کشته شدن ملا عمر نمود بیشتری یافت. حمایت القاعده از گروه‌های تکفیری در عراق و همزمان در سوریه که با تحولات این دو کشور همراه شده بود، در نهایت زمینه‌ساز ظهور گروهی به نام داعش گردید.

ب- علل نزدیک-پیروزی انقلاب اسلامی ایران و برچیدن منافع کشورهای سلطه‌گر با محوریت آمریکا باعث شد تا بخشی از سمت‌وسوی تهدید علیه انقلاب اسلامی ایران به سمت استفاده از اندیشه‌های متحجرانه برخی از فرقه‌های اسلامی متمرکز شود. ظهور و خلق اندیشه‌های جدید که با عنوان بنیادگرایی اسلامی از سوی غرب نامیده شده بود، زمینه‌سازی برای ظهور اندیشه‌های جدید اسلامی توسط گروه‌های اسلامی سلفی شد و غرب به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در حمایت از آن‌ها با هدف مقابله با انقلاب اسلامی بهره گرفت.^{۱۰}

طالبان اولین گروهی بود که با قامتی جدید در بین گروه‌های سلفی با حمایت آمریکا و عربستان پایه‌گذاری شد. اگرچه در مرحله نخست با هدف مقابله با کمونیست و صدور انقلاب اسلامی ایران در افغانستان اقدامات مسلحانه خود را شکل داد، اما در کوتاه‌مدت به قدرت اول در افغانستان تبدیل شد و به رواج تفکر سلفی پرداخت. حمایت عربستان از این گروه، زمینه‌ساز اوج‌گیری تفکر سلفی در منطقه شد و به تدریج با تشکیل گروه القاعده این اقدام ماهیتی فراملی گرفت و در سایر کشورها به تشکیل گروه‌های همسو با تفکر طالبانی و القاعده انجامید. حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا شرایط جدیدی را در منطقه حاکم ساخت. حمله آمریکا به عراق و افغانستان گام دیگری در سرعت بخشیدن به گسترش تفکر سلفی‌گری بود. گروه‌های سلفی که تحت شرایط جدید، اندیشه‌های سکولاریستی غرب و حامیان آن را برنمی‌تابیدند، با تشکیل گروه‌های مسلح دست به اقدامات نظامی زده و با حمله به منافع آمریکا و هم‌پیمانان این کشور تهدیدی جدی علیه غرب را شکل دادند که در محور این جریان القاعده قرار داشت.

خروج آمریکا از عراق و واگذاری قدرت به دولت جدید شیعی در این کشور زمینه‌ساز دیگری برای تشدید اقدامات گروه‌های سلفی در عراق شد. نگاه منفی سلفیون به شیعه که ریشه در اعتقادات دینی رهبران سلفی داشت با نپذیرفتن دولت شیعی عراق همراه گردید و از این پس بود که با تشدید اقدامات تروریستی در عراق سلفیون به‌عنوان تهدیدی جدی در برابر دولت عراق ظاهر شدند. ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت در اقصی نقاط کشور از یک‌سو و کم‌توجهی دولت شیعی عراق به اهل سنت به‌خصوص در استان‌های نینوا، الانبار و صلاح‌الدین که مرکزیت اهل سنت را در خود جای داده بود، باعث تشدید ناراضی‌ها و اعتراضات عمومی در مورد عملکرد دولت عراق شد. در این فضا

۱۰. در این زمینه مراجعه شود به باززایی بنیادگرایی اسلامی اثر گریفیث در فهرست منابع

گروه‌های مخالف دولت در مثلث «سلفیه، القاعده و بعثی‌ها» شکل گرفت. تحولات سوریه بهترین فرصت برای گروه‌های سلفی بود که با حضور در این کشور قدرت خود را به منصفه ظهور برسانند؛ اما همراهی سلفیون عراقی با جبهه النصره - که بیشتر زندانیان سیاسی آزاد شده دولت اسد بودند - چندان دوام نیاورد و بروز اختلافات بین گروه سلفی داعش و النصره حتی با میانجیگری طالبان هم به نتیجه نرسید^{۱۱} و داعش با بازگشت به عراق همان مثلث نامنی را دوباره احیا کرده و در کوتاه‌مدت با سازمان‌دهی نیروهای نظامی خود و با استفاده از ضعف دولت مرکزی عراق در واپایش مناطق سنی‌نشین به تصرف پادگان‌های ارتش عراق در سه استان سنی‌نشین پرداخت.

در مجموع می‌توان مهم‌ترین علل نزدیک و تسریع‌کننده در ظهور داعش را در مواردی چون تغییر شرایط محیطی ناشی از خروج آمریکا از این کشور، کم‌توجهی دولت مرکزی به مناطق سنی‌نشین عراق، شکست اهل سنت در انتخابات مجلس عراق، مشکلات ناشی از فرایند ملت‌سازی و دولت‌سازی در عراق، شکست سلفیون در انتخابات سوریه و بازگشت مجدد اسد به قدرت، احساس عقب‌ماندگی اهل سنت در مقایسه با اقلیم کردستان، اقدامات پشت پرده کشورهایمانند عربستان و قطر در حمایت از گروه‌های تکفیری و سلفی در منطقه با هدف مقابله با ایران و کشورهای حامی آن، نام برد.

راه‌کنش (تاکتیک) سه مرحله‌ای گروهک تروریستی داعش

گروهک تروریستی داعش بر اساس اندیشه‌های سلفی خود در بحث اعتقادی شیعه و حتی اهل سنت را هدف قرار داده و تلاش خود را برای مقابله با این اندیشه به کار گرفته است. در این راه هر آنچه از شیعه، اهل سنت و اندیشه‌های آن‌ها دفاع کند در حکم مقابله با گروهک تروریستی داعش تلقی خواهد شد. بر این اساس برخورد با دولت شیعی عراق در اولین اقدام و در ادامه سایر دولت‌های منطقه با محوریت ایران را در دستور کار خود قرار داده است. این گروهک در تلاش برای رسیدن به اهداف، سناریوی فرسایشی کردن جنگ با شیعه و اهل سنت را با جدیت تمام در سه‌گام دنبال می‌کند:

گام اول؛ بحران‌سازی در عراق - گروهک داعش در اولین اقدام در مارس ۲۰۱۳ شهر رقه را تحت واپایش خود گرفت. این شهر اولین مرکز استانی بود که به دست شورشیان افتاد. در ژانویه ۲۰۱۴ (دی ۱۳۹۲) با بهره‌گیری از اختلاف بین اقلیت سنی عراق و دولت تحت رهبری شیعیان

۱۱. بر اساس اطلاعات و اخبار موجود، ایمن الظواهری از داعش خواسته بود که بر عراق تمرکز کند و سوریه را به جبهه النصره بسپارد؛ اما بغدادی و نیروهایش با این ادعا که عراق و شام باید در یک جبهه و فقط از طریق نظامی کار را دنبال کنند، از خواسته رهبر القاعده سرپیچی کرده و حامیان غیرنظامی اپوزیسیون سوری را به شدت مورد حمله قرار دادند. داعش در حالی که ادعا داشت در میان نیروهایش افرادی از کشورهای اروپایی و آمریکایی، جهان عرب و قفقاز حضور داشته و برخلاف دیگر گروه‌های شورشی در سوریه، به دنبال تأسیس یک امارت اسلامی در سوریه و عراق است، در نهایت چاره کار را در بازگشت مجدد به عراق دانست.

این کشور واپایش شهر عمدتاً سنی نشین فلوجه در استان غربی انبار را در اختیار گرفت و در ادامه بخش‌های بزرگی از رمادی، پایتخت این استان را تصرف کرده و مناطقی از شمال شرق عراق در نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه را به اشغال خود درآورد و در نهایت موفق شد تا در خرداد ۱۳۹۳ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را تصرف نموده و دامنه جنگ را به اطراف سامرا، بعقوبه و حتی جلولا بکشاند.

شکاف‌های موجود در عراق در دو زمینه قومی (کردی/عربی) و مذهبی (شیعه/سنی) زمینه گسترش بحران در عراق را در فضای باز انتخاباتی فراهم ساخت (زندی: ۴، ۱۳۹۳). این شکاف با توجه به شرایط مساعد ناشی از فقر و جهل فرهنگی در مناطق عشیره‌ای سنی‌نشین در شرق عراق که با کم‌توجهی دولت شیعی حاکم بر عراق به این مناطق همراه شده بود، بسترساز مناسبی برای ظهور طرحی نو در قالب مبانی تکفیری گروه داعش و در ادامه بهره‌گیری از نیروهای جوان عشیره‌ای و سازمان‌دهی نیروهای نظامی خشن و تروریست در عراق گردید. حرکت ضد شیعی و شروع اقدامات جدید تروریستی خشن و غیرانسانی گروه علیه حامیان دولت و مردم بی‌دفاع عراق باعث شد تا بقایای حزب بعث عراق و طرفداران صدام نیز در پی انتقام‌گیری از دولت در پیوند با داعش در کنار این گروه قرار گرفته و تحركات نظامی داعشی - بعثی را شکل داده و عراق را وارد بحران سیاسی - اجتماعی نمایند.

گام دوم؛ سازمان‌دهی نیرو - گروهک داعش همزمان با رواج تفکرات تکفیری و در پی افزایش اعتراضات اهل سنت نسبت به عملکرد دولت مرکزی، کار جذب نیرو را برای اجرای گسترش اقدامات نظامی در عراق مورد توجه قرار داد و با حمله به مراکز نظامی و پادگان‌های نظامی عراق در استان‌های نینوا و صلاح‌الدین که بدون هرگونه مقاومتی از سوی نظامیان مستقر در این پادگان‌ها همراه شده بود، به تقویت قدرت نظامی خود پرداخت. برابر اخبار و اطلاعات موجود (آشکار و پنهان) نیروهای پیوسته به این گروهک را شش طیف تشکیل می‌دهند:

الف - جوانان عرب سنی، ساکن در مناطق عشیره‌ای عراق که دارای احساسات پرشور مبارزاتی بوده و بیشتر به دلیل علاقه‌مندی به اقدام مسلحانه جذب داعش شده‌اند.

ب - اهل سنت عرب ساکن در استان‌های نینوا، الانبار و صلاح‌الدین که در اعتراض به عملکرد دولت شیعی عراق و احساس کم‌توجهی دولت به این مناطق و اهل سنت، گرایش به سمت داعش پیدا کرده‌اند.

ج - تندروهای اهل سنت نزدیک به گرایش وهابی‌گری که با استقبال از اندیشه‌های سلفی داعش تنها راه رسیدن به اهداف خود را همکاری با داعش در مقطع زمانی فعلی یافته و رهبری البغدادی

را پذیرفتند.

د- عناصر سابق حزب بعثی عراق که در انتقام از شرایط موجود و خروج از اریکه قدرت، همکاری با داعش را در دستور قرار دادند.

ه- سلفیون و عناصر تکفیری غیر عرب مانند چچنی‌ها و افغان‌ها که از تجربه نظامی خوبی در جنگ‌های سابق در چچن و افغانستان برخوردار بودند.

و- مزدوران سودانی و لیبیایی که دارای سابقه حضور در کشورهای عربی و از جمله عراق بودند، بخش دیگری از نیروهای داعش را تشکیل می‌دهند. برابر اطلاعات به دست آمده از سامانه اطلاعاتی ارتش عراق و شنود سامانه‌های مخابراتی داعش، مکالمه بیسیمی بین داعشی‌ها بیشتر به زبان این دو کشور بوده است.^{۱۲}

گروهک تروریستی داعش با ساماندهی این افراد که تعداد آن‌ها در حدود ده هزار نفر برآورد شده است نیروهای خود را در مناطق مختلف خاک عراق با تأکید بر مناطق سنی‌نشین ساماندهی کرده و با تصرف برخی از شهرها، افرادی را به‌عنوان امیر در این شهرها برای اداره امور منصوب نموده است. تجهیزات نظامی این گروه که با تصرف مراکز نظامی در استان‌های سنی‌نشین به دست این گروه افتاده همان تجهیزات ارتش عراق است که بیشتر با تصرف موصل^{۱۳} در اختیار داعش قرار گرفته است.

افزایش تعداد نیرو گام مؤثری برای گسترش اقدامات نظامی به سایر مناطق عراق بود که داعش با گسترش روزافزون آن در مناطق سنی‌نشین و عشیره‌ای عراق در دستور کار قرار داد. این اقدام با چنان سرعتی همراه بود که در برخی مناطق ارتش عراق بدون هیچ‌گونه مقاومتی تجهیزات و امکانات خود را تسلیم داعش نمود. مقاومت نکردن ارتش عراق در این مناطق امری بدیهی به نظر می‌رسد. به طور طبیعی عمده نظامیان عراقی در این مناطق باید از اهل سنت عراق باشند که در منطقه مورد علاقه خود خدمت می‌کردند. این نگاه به گروهی که خود از اهل سنت عراق بوده و داعیه استقرار حکومت اسلامی به سبک خلفای اهل سنت را دارد، باید در گرایش نظامیان به سمت آن‌ها و یا دست‌کم مقاومت نکردن در برابر نیروهای داعش تأثیرگذار باشد. از این رو به نظر می‌رسد مقاومتی توسط ارتش عراق در این مناطق صورت نگرفته باشد. اخباری هم که در مورد کشتار نظامیان در این مناطق واصل شده حاکی از آن است که کشته‌شدگان از شیعیان

۱۲. حضور مزدوران سودانی در عراق دارای سابقه بوده و به‌عنوان نیروی خدماتی در عراق و حتی بیشتر کشورهای عربی حضور دارند.

۱۳. موصل پایتخت غیررسمی سیاسی و اقتصادی سنی‌های عراقی نیز محسوب می‌شود. در این شهر که جمعیت آن نزدیک به یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر است عرب‌های سنی مذهب اکثریت دارند. برابر اخبار موجود بیشترین نیروهای وابسته به حزب بعث نیز که اکثریت سنی هستند در موصل ساکن بوده و با اولین اقدام داعش در حمایت از این گروه دست به همکاری با داعش زده و در اجرای اقدام نظامی آن‌ها را حمایت کرده‌اند. موصل مهم‌ترین دست آورد داعش است که در پی اجرای اقدامات نظامی خونین به دست این گروه افتاد. سرعت عمل داعش در تصرف این شهر حاکی از آن است مقاومتی توسط ارتش عراق در برابر این حمله صورت نگرفت و حتی برخی اخبار واصله حاکی از آن است که داعش آن را با نیرویی در حدود هزار نفر به تصرف درآورده است.

عراقی بوده‌اند.

گام سوم؛ تشکیل حکومت اسلامی - اظهارات بغدادی در نماز جمعه تیرماه ۹۳ موصل حاکی از آن است که گروه با این احساس که در گذر از مرحله اول و دوم موفق بوده و با ارائه دیدگاه‌های نظری و اقدام نظامی، موقعیت خود را در بین اهل سنت و مخالفین شیعه و دولت‌های سکولار منطقه تثبیت نموده، تلاش دارد در مرحله سوم از طریق طرح استقرار به اصطلاح حکومت اسلامی با مرکزیت عراق موجودیت خود را به اثبات برساند.

داعش با توجه به عملکرد طالبان و القاعده معتقد است، القاعده با وجود اشراف بر شرایط موجود و عملکرد دولت‌های سکولار عرب به نوعی مسامحه را در دستور کار قرار داده و به دلیل کوتاهی در اجرای اقدامات مسلحانه نظامی موفق به استقرار اندیشه‌های سلفی و استقرار حکومت اسلامی نشده است. از این رو تجربه طالبان و شکست این گروه در اجرای حکومت اسلامی باید مورد توجه داعش قرار گیرد. سخنان بغدادی در ۱۳ تیرماه ۹۳ مبنی بر اینکه برای آگاهی مردم آمده و توده به عنوان رعیت باید از خلیفه مسلمین (ابوبکر بغدادی) اطاعت کنند تا حکومت اسلامی برپا گردد در همین راستا قابل ارزیابی است.

در حوزه سیاسی داعش اعتقاد دارد برای رسیدن به اهداف خود و عملی نمودن احکام شریعت باید تکلیف کشورهای همسایه عراق شامل سوریه، اردن و ایران را مشخص نماید. گام اول جلب نظر اهل سنت سوریه و نجات آن‌ها از دست نظام حاکم بر سوریه از طریق ایجاد اتحاد بین اهل سنت عراق و شام، گام دوم سرنگونی دولت سکولار حاکم بر اردن، گام سوم تعیین تکلیف نظام شیعی حاکم بر ایران است.

تلاش داعش در گام اول که سرنگونی نظام حاکم بر سوریه بود، با بروز اختلافات بین گروه‌های مخالف و انحصارطلبی داعش بعد از مدت‌زمان کوتاهی با شکست همراه شد و درحالی‌که این گروه مجبور به بازگشت به عراق شده است، اما همچنان بر تشکیل دولت اسلامی عراق و شام اصرار داشته و تنها راه ایجاد خلافت را اتحاد عراق و شام می‌داند^{۱۴}. دومین گام داعش نگاه به اردن است. داعش اعتقاد دارد دولت اردن به دلیل ماهیت سکولاریستی خود، گرایش به رژیم اشغالگر قدس داشته و به دلیل تسامح و کوتاهی در برخورد با این رژیم باید تعیین تکلیف شده و امیری در این منطقه از داعش منصوب گردد. سومین گام داعش تعیین تکلیف ایران به عنوان قطب شیعه است. داعش به نوعی در پی ایجاد خلافت اسلامی به سبک دوران اموی و عباسی در منطقه بوده و ایران را به عنوان یکی از بلاد تحت سلطه خلافت اسلامی تلقی کرده و مدعی است شیعه به ناحق آن را تحت سیطره خود درآورده و این منطقه باید از وجود شیعه پاک شود. در همین راستا با

۱۴. بر اساس آخرین اطلاعات داعش با حضور مجدد در حمص انفجارها و کشتار مردم این شهر را که در اواخر تیرماه انجام شده بود بر عهده گرفتند.

مهدورالدم خواندن شیعه و مباح اعلام کردن خون شیعه به همان سبکی که القاعده دنبال کرده، تلاش دارد با فرسایشی کردن نبرد در مناطق تحت نفوذ ایران و کشاندن اقدامات نظامی به شرق عراق و استقرار در مناطق مرزی ایران عملیات تروریستی خود را تا مرزهای ایران و در صورت امکان داخل ایران به مورد اجرا گذارد.

نگاه داعش به شیعه حاکی از آن است که این گروه، ایران را به‌عنوان هسته اصلی و محوری شیعه مورد هدف قرار داده و اعتقاد دارد باید به سمت هسته حرکت کرد. از نگاه داعش، ایران شیعی به‌عنوان هسته اصلی مخالفان حکومت اسلامی مورد ادعای بغدادی به هر نحو ممکن باید مورد حمله قرار گیرد. احساس داعش بر این است که ایران به لحاظ تأثیر بر منطقه و حتی کشورهای عرب مانع بزرگ گروه برای اجرای احکام اسلامی است. به زعم داعش حمله به مقدسات و ارزش‌های شیعی در عراق پیش‌زمینه مناسبی برای ورود به اقدام بعدی علیه ایران است. از این رو بخشی از سناریوی پیشروی این گروه، رسیدن به اهداف خود از طریق کشاندن صحنه نبرد به سمت مرزهای ایران است.

ملاحظات امنیتی ج.ا.ایران در تقابل با گروهک تروریستی داعش

به تعبیر «اسپوزیتو»^{۱۵} عراق تأثیرپذیرترین کشور همسایه ایران است که در جریان انقلاب اسلامی ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و اشتراکات مذهبی مورد توجه جدی قرار گرفت (Esposito:1990:33). حکومت بعثی عراق که سنی مذهب بود، با اشراف بر این موضوع و با نظر قدرت‌های سلطه‌گر نگاه به ایران را مورد توجه قرار داد که جنگ تحمیلی اولین اقدام آن بود. بعد از پایان جنگ و تغییر شرایط محیطی ناشی از سرنگونی صدام، بستر مساعدی برای اقدامات گروه‌های سلفی - که آمریکا و متحدین این کشور در منطقه، خود از بنیان ایجاد آن و عامل تحرک بخشیدن به اقدام نظامی آن‌ها در منطقه بودند - فراهم گردید. سلفیون با هیبتی جدید و با تأکید بر اقدام مسلحانه برای استقرار حکومت اسلامی در قالب گروه‌های وابسته به القاعده در عراق ظاهر شدند که آخرین آن‌ها گروه موسوم به داعش است.

اقدامات این جریان در عراق با توجه به تصرف سریع برخی از مناطق این کشور و سودای گسترش اقدامات مسلحانه به اقصی نقاط عراق با هدف سرنگونی دولت شیعی حاکم بر این کشور و نگاه ضد شیعی داعش به ایران می‌طلبد تا ایران اسلامی در مورد این جریان حساس باشد. اگرچه داعش با یک گروه ده هزار نفره و یا حتی بیشتر از آن نمی‌تواند تهدیدی جدی برای ایران اسلامی باشد؛ اما حمایت پشت پرده برخی از حکام عرب با محوریت عربستان می‌تواند این تهدید را به یک جنگ فرسایشی مذهبی در منطقه تبدیل کند. ناامن کردن عراق می‌تواند با دو هدف بر

امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد:

- ایران درگیر مسائل داخلی عراق شده و همزمان دغدغه ذهنی خود را معطوف به دو جبهه یعنی سوریه و عراق نماید. در این صورت عراق به‌عنوان حائلی بین ایران و سوریه می‌تواند به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بینجامد.

- با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران کشانیده و در این جبهه نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید.

با این شرایط و به لحاظ اینکه هر تهدیدی و یا آسیبی می‌تواند تأثیر خود را بر امنیت جامعه داشته باشد، توجه به آن ضروری است. بنابراین، این اقدام نباید با صرف هزینه سنگین و جابجایی نیروهای نظامی صورت پذیرد. تجمع نیروها در مناطق مرزی شائبه تفکر ضعف در برابر یک گروه نظامی چند هزار نفره را تقویت نموده و از طرف مقابل نوعی بزرگ‌نمایی تهدید داعش علیه نظام ج.ا.ایران را در شائبه عمومی تقویت می‌نماید. قرائن و شواهد موجود و تجربه عملکرد برخی از گروه‌های سیاسی ضدانقلاب ایرانی ساکن در عراق که در نهایت به اقدام نظامی تروریستی در مناطق مرزی ایران دست می‌زدند حاکی از آن است که داعش نیز همین روند را دنبال کند؛ یعنی رویکردی تروریستی و بیشتر در قالب تخریب اماکن حساس در مناطق مرزی ایران که این اقدام در هر صورت ناامنی خود را به دنبال دارد.

به نظر می‌رسد نیروهای داعش با توجه به ادعای ابوبکر بغدادی در تشکیل حکومت اسلامی با مرکزیت عراق و معرفی خود به‌عنوان خلیفه مسلمین با لقب امیرالمؤمنین از این پس با عنوان سربازان حکومت اسلامی خود را معرفی نمایند. با این تحلیل، سربازان خلیفه خودخوانده موصل، بر اساس این راهبرد تلاش خواهند کرد تا صحنه درگیری را به مرزهای کنونی عراق با اولویت اقدام بر روی ایران تمرکز نمایند. ابوبکر فردی تحصیل کرده و دارای منش و تفکر نظامی است. از این رو به نظر می‌رسد هرگونه اقدام نظامی از سوی وی نیز با درایت همراه باشد. کوچک شمردن وی و گروهش اقدامی غیرمنطقی است، اشتباهی که دولت شیعی عراق در برخورد با این گروه مرتکب شده بود، بیشتر نشأت گرفته از کوچک شمردن این گروه بود و زمانی که نوری مالکی به خود آمد، دست کم سه استان عراق از سیطره دولت عراق خارج بود. اگرچه نداشتن پایگاه مردمی دولت عراق در این سه استان مزید بر علت و تسریع در روند تسخیر آن‌ها توسط گروه بغدادی بود، با این وجود حضور در صحنه و شناخت از عملکرد و شیوه‌های نظامی گروه اقدامی ظریف است که نیازمند کار اطلاعاتی و استفاده از نیروهای اطلاعاتی است.

با این تحلیل به نظر می‌رسد مسئولان نیروهای مسلح ایران، در نگاه اول باید شناخت لازم و کافی

را از این گروه و عملکرد آن به دست آورده و در ادامه با برنامه‌ریزی منطقی و به دور از هرگونه بزرگ‌نمایی در عملکرد گروه، به اقدام نظامی - اطلاعاتی در مناطق مرزی ایران بپردازند. تجربه برخورد با گروه‌های نظامی مسلح مخالف نظام ج.ا.ایران در مناطق مرزی حاکی از آن است که اقدام مقابله‌ای با این طیف نیز مستلزم به کارگیری شیوه‌های اطلاعاتی است. به نظر می‌رسد در حوزه نظامی استفاده از واحدهای عملیات ویژه و استقرار آن در برخی از مناطق مرزی (با توجه به موقعیت زمانی، مکانی و حساسیت منطقه‌ای) به جای استفاده از واحدهای نظامی گسترده توفیق بیشتری را برای نیروهای مسلح به همراه داشته باشد. در حوزه اطلاعاتی نیز کار پیوسته و اطلاعاتی از طریق استقرار گروه‌های اطلاعاتی، تمرکز بر استفاده از عشایر منطقه، هماهنگی جامعه اطلاعاتی بیشتر از اقدام دیگری برای مقابله با این گروه نقش داشته باشد.

در مجموع می‌توان مهم‌ترین اقدامات مورد توجه و ضروری برای مقابله با اقدامات احتمالی تروریستی و خرابکاری این جریان سلفی را در محورهای زیر مورد توجه قرار داد:

- تشکیل گروه‌های مقابله (چریکی) با اقدامات تروریستی

- استقرار یگان‌های سبک نظامی در مناطق مرزی

- تشدید اقدامات اطلاعاتی با بهره‌گیری از نیروهای مردمی و عشیره‌ای در مناطق مرزی

- هماهنگی بین بخش‌های اطلاعاتی، امنیتی و سیاسی نظام ج.ا.ایران

- بهره‌گیری اطلاعاتی از تنازعات گروه‌های سلفی با هدف ایجاد جریان‌های موازی

- استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های اهل سنت ایران در منطقه غرب

نتیجه‌گیری

عراق به‌عنوان همسایه تأثیرگذار بر ایران در شرایطی قرار گرفته که با بحران شدیدی مواجه شده است. بحرانی که به نظر می‌رسد بیشتر ناشی از تنازعات ملی و منطقه‌ای و در زمره بحران‌های دست‌ساز عمدی قرار دارد. این نوع بحران هدایت‌شده، سازمان‌دهی شده و از قبل برنامه‌ریزی شده است و شرایط محیطی ناشی از آن به گونه‌ای است که معمولاً سه طیف به سمت عامل ایجاد بحران (گروهک تروریستی داعش) گرایش می‌یابند. گروهی با میل در این کار شرکت می‌کنند، گروهی تحت تاثیر عملیات روانی در حمایت از آن وارد عمل می‌شوند و گروهی که از بیم جان خود به طیف بحران‌ساز می‌پیوندند. به نظر می‌رسد گروهک تروریستی داعش در هر سه زمینه موفق به جلب نیرو شده و با توجه به شرایط حاکم بر عراق و تجربه ناموفق سایر گروه‌های سیاسی عراقی مخالف دولت، و در بین تنازعات قومی - مذهبی تلاش کرد تا با استفاده از این نقص با بهره‌گیری از تنازعات موجود و از طریق بحران‌سازی در محیط امنیتی عراق به دست آورد.

تنازعات فعلی در عراق ناشی از تحولات حاکم بر این کشور در طول یک دهه اخیر بوده که بیشتر بین گروه‌های سلفی، بعثی و القاعده رویش و رشد یافته است. تنازعی که بی‌شک با دخالت مستقیم و یا غیرمستقیم قدرت خارجی در عراق همراه بوده است. به‌رحال این تنازع کلامی و رفتاری به‌واسطه تأثیرگذاری بر تمامیت ارضی این کشور و گسترش آن در لایه‌های مختلف اجتماعی و درگیر شدن دولت حاکم با شورشیان در حد یک بحران سیاسی و امنیتی تلقی شده که امروز با نقش‌آفرینی گروهی تکفیری به نام داعش امنیت ملی این کشور را با چالشی جدی مواجه ساخته است. به همین دلیل می‌توان مدعی شد داعش محصول این تنازع فکری است که با برداشت‌های افراطی از مبانی دینی اسلامی در بازگشت به اندیشه‌های سلفی تنها راه رسیدن به آن را اجرای اقدامات مسلحانه نظامی دانسته و در این راه مدعی اعتلای گذشته اسلام با تشکیل خلافت اسلامی در بلاد اسلامی با مرکزیت عراق است.

اگرچه این ادعا از لحاظ عقلی و منطقی به دور از ذهن بوده و تنها در شائبه ذهنی رهبران تکفیری این جریان وجود دارد، اما باید توجه داشت، رواج تفکرات تکفیری این طیف می‌تواند در نگاه اول امنیت ملی نظام ج.ا.ا را به‌عنوان همسایه تأثیرگذار و تأثیرپذیر از عراق با چالش ناشی از بحران ناامنی در عراق همراه سازد. عملکرد داعش جدید یا همان حکومت اسلامی خودخوانده بغدادی در عراق حاکی از آن است که گسترش اقدامات نظامی به کشورهای همسایه با محوریت ایران به‌عنوان هسته اصلی تفکرات شیعی در دستور کار گروه خودخوانده حکومت اسلامی عراق قرار داشته است. اگرچه اهل سنت ایران با تفکرات تکفیری بغدادی همسویی ندارند، اما شایسته است مبادی ذی‌ربط در نظام ج.ا.ا با محوریت حوزه علمیه و هدایت مرجعیت دینی و با تأکید بر آموزه‌های دینی و مبانی ارزشی دین مبین اسلام، همدلی و همسویی بین شیعه و سنی را به‌صورت مشترک در حمایت از مرجعیت دینی و با بهره‌گیری از قدرت نرم به‌ویژه ابزار رسانه‌ای در دستور کار قرار داده و همزمان اقدامات لازم سیاسی و اطلاعاتی از طریق سازمان‌ها و نهادهای مسئول در مقابله با اقدامات احتمالی تروریستی گروه‌های تکفیری با محوریت گروهک تروریستی داعش را موردتوجه قرار دهند.

منابع

۱. پاکتچی، احمد. (۱۳۷۳). **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی**، احمد بن حنبل. جلد ۶، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۰). **زمینه‌های تاریخی سلفیه، در بنیادگرایی و سلفیه**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰). سخنرانی ۱۳۷۰/۱/۲۶.
۴. زندی، داود. (۱۳۹۳). **پیش روی داعش در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران**. تهران: پژوهشکده فارابی.
۵. ساوه‌درودی، مصطفی. (۱۳۹۰). **راهبردهای سازمانی و مدیریت بحران**. تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۶. نصری، قدیر. (۱۳۹۳). **مبانی فکری و موازین عملی دولت اسلامی عراق**. تهران، پژوهشکده فارابی.
۷. طباطبایی، محمدرضا و افراخته، عبدالحمید. (۱۳۹۰). **بازشناسی بنیادگرایی و سلفیه در دوران معاصر با تأکید بر طالبان و القاعده، در بنیادگرایی و سلفیه**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
8. Joseph, Jonatan. (2008). "Hejemony and the Struture Agency Problem in International Relation". **A Scientific Realist Contribution Review of Internationalism Studies** Vol.34 No 1.
9. Hardacer, Helen. (1993). **the Impact of Fundamentalism on Woman in Fundamentalisms and Society**, ed Martin E. Marey & R. Scott Appleby.Vol2 Chgicago & London University Chicago Press.
10. Esposito john(1990) **the Iranian Revolution**.U.S.A Board of Regenis of The State of Florida.
11. Griffith.W.E(1980) **The Revivel of Fundamentalism the Case of Iran**.Hamdard Islamicus.V.3
12. <http://vahhabi2012.blogfa.com/post/142->
13. <http://www.hawzeh.com->
14. <http://www.ajovan.blogfa.com/post-26.aspx->
15. <http://www.takafsar.blogfa.com/tag>
16. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/750504>